هرگاه یکی از ما قصد خوابیدن داشت، ابوصالح به ما دستور می داد به پهلوی راستش بخوابد.

از سهیل روایت است که می گوید: هرگاه یکی از ما قصد خوابیدن داشت، ابوصالح به ما دستور می داد به پهلوی راستش بخوابد و این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَوَاتِ وَرَبَّ الأَرْضِ وَرَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، رَبَّنَا وَرَبَّ كُلِّ شَيْءٍ، فَالِقَ الْحَبِّ وَالنَّوَى، وَمُنْزِلَ التَّوْرَاةِ وَالإِنْجِيلِ وَالْفُرْقَانِ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْءٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهِ، اللَّهُمَّ أَنْتَ الأَوَّلُ فَلَيْسَ قَبْلَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الآخِرُ فَلَيْسَ بَعْدَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَيْسَ فَوْقَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَيْسَ دُونَكَ شَيْءٌ، اقْضِ عَنَّا الدَّيْنَ وَأَغْنِنَا مِنَ الْفَقْرِ»: «یا الله، پروردگار آسمان ها و پروردگار زمین و پروردگار عرش بزرگ، پروردگار ما و همه ی چیزها، شکافنده ی دانه و هسته، نازل کننده ی تورات و انجیل و فرقان، از شرّ هر آنچـه پیشانی اش در دست توست به تو پناه می آورم؛ یا الله، اول تویی و قبل از تو چیزی وجود ندارد؛ آخر تویی و بعد از تو چیزی نیست؛ ظاهر تویی و چیزی بالاتر از تو نیست. باطن تویی و هیچ چیز از تو پنهان نبوده و نزدیک تر از تو نیست؛ یا الله، قرض های ما را ادا کن و ما را از تنگدستی به غنا و توانگری برسان». سهیل این را از ابوهریره از رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت می نمود.

[صحیح است] [به روایت مسلم]

رسول الله صلی الله علیه وسلم اصحابش را دستور می دهد که چون قصد خوابیدن دارند بر پهلوی راست بخوابند و این دعا را بخوانند: «اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَوَاتِ وَرَبَّ الأَرْضِ وَرَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، رَبَّنَا وَرَبَّ كُلِّ شَيْءٍ» یعنی: یا الله، ای پروردگار آسمان ها و زمین و خالق و مالک آنها و پرورش دهنده اهل آسمان و زمین و پروردگار عرش بزرگ و خالق و مالک آن؛ و خالق و مالک و پرورش دهنده ی همه ی مردم و پروردگار همه چیز. «فَالِقَ الْحَبِّ وَالنَّوَى» یعنی: ای کسی که دانه و هسته را می شکافد و از آنها گیاه و نخل می رویاند؛ دلیل ذکر دانه و هسته، فضل و برتری آنها یا زیاد بودن آنها در سرزمین عرب می باشد. «وَمُنْزِلَ التَّوْرَاةِ وَالإِنْجِيلِ وَالْفُرْقَانِ»؛ و ای کسی که تورات را بر موسی و انجیل را بر عیسی و قرآن را بر محمد صلی الله علیه وسلم نازل نمودی. «أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْءٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهِ»؛ از شر همه ی مخلوقات به تو پناه می آورم چون همه ی آنها تحت فرمان و پادشاهی و قدرت و اختیار و تصرف تو هستند. «اللَّهُمَّ أَنْتَ الأَوَّلُ فَلَيْسَ قَبْلَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الآخِرُ فَلَيْسَ بَعْدَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَيْسَ فَوْقَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَيْسَ دُونَكَ شَيْءٌ»؛ رسول الله صلی الله علیه وسلم این اسامی چهارگانه را بسیار واضح و روشن تفسیر می کند چنانکه: «الأول» بر این دلالت دارد که هرچیزی غیر از الله حادث بوده و بعد از اینکه وجود نداشته، ایجاد شده است؛ و این مساله بر بنده واجب می کند که فضل پروردگارش را در هر نعمت دینی و دنیوی که به او عطا کرده، ببیند. چون سبب و مسبب به الله متعال بازمی گردد. «الآخر» بر این دلالت دارد که الله متعال باقی بوده و آنچه غیر اوست نابود شده و فانی می باشد. و او بی نیازی است که مخلوقات با تمام نیازها و بیم و امید و محبت به او روی می آورند. «الظاهر»؛ بر عظمت و بزرگی صفات الهی و ناچیز بودن هر چیز و هر صفتی در برابر عظمت و بزرگی او دلالت دارد؛ و بر علو حقیقی و بالاتر بودن او از مخلوقاتش دلالت می کند. «الباطن»؛ بر اطلاع و آگاهی الله متعال بر ضمایر و آنچه مخفی و پنهان است، دلالت دارد چنانکه بر کمال قرب و نزدیکی او دلالت می کند. و دو اسم «ظاهر» و «باطن» منافاتی با هم ندارند چون الله متعال در هیچ صفتی شبیه هیچ چیزی نیست. چنانکه الله متعال با وجود علو و بالا بودنش، بسیار نزدیک می باشد. «اقْضِ عَنَّا الدَّيْنَ وَأَغْنِنَا مِنَ الْفَقْرِ» سپس از الله عزوجل می خواهد بدهی اش را از طرف او پرداخت نماید و او را از فقر و تنگدستی بی نیاز گرداند.